

## پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس ارتباط و صمیمیت جنسی مختار عارفی<sup>۱</sup>

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه

فرشاد محسن زاده

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۲۴

دریافت مقاله: ۹۱/۵/۱۲

### چکیده

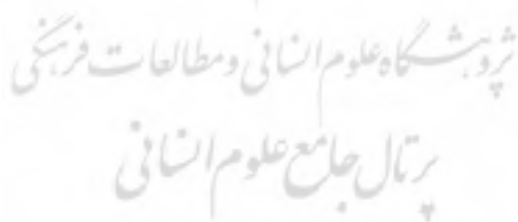
**هدف:** هدف اصلی پژوهش حاضر پیش بینی رضایت زناشویی از روی دو عامل (صمیمیت جنسی و ارتباط) بود و بر ماهیت رابطه‌ی متعامل این دو متغیر در این پیش بینی تأکید داشت و بدین منظور از فنون معادلات ساختاری بهره جست.

**روش:** در این مطالعه هم‌بستگی، نمونه‌ی پژوهش ۲۶۶ نفر (۱۲۵ مرد، ۱۴۱ زن) والدین دانش آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ بودند، که به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. در این مطالعه از مقیاس سازگاری زناشویی (اسپاینر، ۱۹۷۶) و پرسش‌نامه‌ی انریچ (اولسن و همکاران، ۱۹۸۷) استفاده شد.

**یافته‌ها:** مدل معادلات ساختاری نشان داد هر دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی به طور مستقیم و معناداری بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارند. نتایج نشان داد عامل ارتباط با میانجیگری صمیمیت جنسی به طور غیرمستقیم به طور معناداری با رضایت زناشویی رابطه داشت.

**نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش حاضر نشان داد مهارت‌های ارتباطی زوجین به طور مسقیم می‌تواند سبب خشنودی و رضایت زناشویی آنها شود، اما بخشی از اثرگذاری آن از طریق صمیمیت جنسی توجیه می‌شود. مشاوران خانواده می‌توانند آموزش مهارت‌های ارتباطی و صمیمیت جنسی را آماج مداخلات درمانی خویش قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** رضایت زناشویی، صمیمیت جنسی، ارتباط



## مقدمه

ازدواج در زمره‌ی تکالیف و سنت‌هایی است که از دیرباز در جوامع بشری مورد توجه بوده است. زندگی متأهلی از جمله مقاطع چالش‌انگیز و گاه تنش‌زای دوران حیات هر فرد به حساب می‌آید. دیویس<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) گذار به زندگی متأهلی را از مشکل‌ترین مراحل انتقالی زندگی می‌داند. ازدواج در همه‌ی جوامع یک نهاد مهم شمرده می‌شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هرکسی یک هدف عمده و آرمانی به شمار می‌رود (میرز، ماداتیل، و تینگل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). به طوری که در پژوهش وایت و گالگر<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) نشان داده شد ۹۳ درصد افراد مورد مطالعه، داشتن ازدواج شاد را یکی از اصلی‌ترین اولویت‌های زندگی خویش می‌دانستند و بر این باور بودند که ازدواج یک تعهد مادام‌العمر است که فقط در حالت‌های اضطراری می‌توان به آن پایان داد. پژوهش‌ها قویاً از این ایده حمایت می‌کنند که افراد متأهل در مقایسه با مطلقه‌ها، جداسده‌ها، بیوه‌ها، و ازدواج نکرده‌ها سلامت روان‌شناختی بیشتر و فشار روانی<sup>۴</sup> کمتری را تجربه می‌کنند (دمو و اکوک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶؛ شنورن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴).

با وجود آمار زیاد طلاق تعجب آور نیست که دانشمندان علوم اجتماعی مشتاقانه در پی پاسخ به این سؤال هستند که «راز ماندگاری ازدواج‌ها چیست؟». پژوهش‌ها تأکید دارند درماندگی زناشویی و تعارض زناشویی مخرب، خطرناک‌ترین عوامل در بیشتر اختلالات و آسیب‌های روان‌شناختی به حساب می‌آیند (از جمله کوی و همکاران، ۱۹۹۳)، و مؤلفه‌های موفقیت زناشویی با عمر طولانی و سلامت بیشتر هم‌بسته هستند (لیلارد و پانسین، ۱۹۹۶؛ موری، ۲۰۰۰). بخش گسترده‌ای از پژوهش‌ها به نقش ارتباط مؤثر به عنوان مؤلفه‌ای محوری در رضایت زناشویی پرداخته‌اند (از جمله کارر و گاتمن، ۱۹۹۹؛ گاتمن و لونیس، ۱۹۹۸؛ نولر، ۱۹۸۸؛ راجی و برادبوری، ۱۹۹۹). پژوهش‌گران دیگری پیشنهاد کرده‌اند رضایت از رابطه‌ی جنسی نیز نقشی حیاتی در ایجاد و حفظ یک ازدواج شاد دارد (آپت<sup>۷</sup> و دیگران، ۱۹۹۶؛ یانگ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۰؛ دونلی، ۱۹۹۴). با این وجود، معدود پژوهش‌هایی به ارتباط این سازه‌ها با هم‌دیگر و ماهیت تأثیر و تأثر آنها در پیش‌بینی رضایت زناشویی پرداخته‌اند.

رضایت زناشویی و ارتباط<sup>۹</sup>: پژوهش‌هایی با طرح‌های مقطعی و طولی ثابت کرده‌اند کیفیت ارتباط زوجین به طور پیوسته و معنادار با رضایت زناشویی رابطه دارد (کاریر و گاتمن، ۱۹۹۹؛ گاتمن و لونسون، ۱۹۹۲؛ راجی و برادبوری، ۱۹۹۹). نتایج این پژوهش‌ها حاکی است زوج‌های ناشاد از فقدان مهارت‌هایی رنج می‌برند که مانع توانایی آنها در ارتباط مؤثر می‌شود. نتایج به طور ویژه نشان می‌دهد زوج‌هایی که مهارت‌های لازم برای تنظیم ابراز عاطفی و ارتباط مؤثر را کسب ننموده‌اند، در تعارضات، دفاعی برخورد کرده یا کناره می‌گیرند و چنین رفتارهایی به نوبه‌ی خود نارضایتی و زوال روابط زناشویی را به دنبال دارد. کریستنسن و سولاوی (۱۹۸۴، ۱۹۹۰) دریافتند زوج‌های درمانده نسبت به زوج‌های غیردرمانده ارتباط سازنده‌ی دوسویه‌ی کمتر، کناره‌گیری از ارتباط و تعارض بیشتری گزارش می‌کنند. از این رو، تأیید شده که رفتارهای ارتباطی و الگوهای تعاملی به طور روشنی با رضایت زناشویی مرتبطند. با این وجود، بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که مهارت‌های ارتباطی به تنهایی و به خودی خود تعیین‌کننده‌های اصلی شادمانی زناشویی نیستند. برخی مطالعات تأکید کردند ویژگی‌های دیگری از افراد ممکن است بر ارتباط و شادمانی زناشویی اثر بگذارند. پژوهش‌گران (نولر، ۱۹۸۱؛ ونسیت، ویس و بریچلر<sup>۱۰</sup>، ۱۹۷۵) بر اساس نتایج خویش، پیشنهاد می‌کنند شاید، صرف‌نظر از فقدان مهارتی، مؤلفه‌های دیگر بر رضایت زناشویی اثر می‌گذارد. لذا گر چه رابطه‌ای قوی بین ارتباط و رضایت زناشویی وجود دارد، پیچیده‌تر از آن است که پژوهش‌گران فرض کرده‌اند. لذا این مسأله مطرح است که عوامل دیگری در بافت زناشویی، ارتباط و سازگاری زناشویی را متأثر می‌کنند.

یکی از مؤلفه‌های مهم این رابطه، ممکن است رضایت از رابطه‌ی جنسی باشد. لومن و دیگران (۱۹۹۴) مطالعه‌ی وسیعی را با عنوان «روابط جنسی در آمریکا» انجام دادند و دریافتند رضایت جنسی و بهزیستی به طور جدانشدنی به هم مرتبط هستند. کریستوفر و اسپریچر (۲۰۰۰) اظهار می‌کند گرچه دانش ما در مورد روابط جنسی زناشویی بیش از گذشته است ولی در این مورد که روابط جنسی چگونه بر زندگی زناشویی اثر می‌گذارد و در مورد ماهیت تأثیر و تأثر آن با دیگر پدیده‌های زناشویی دیدگاه محدودی داریم.

رابطه‌ی جنسی و رضایت زناشویی: روابط جنسی بخشی ضروری از بیشتر روابط صمیمی زن و مرد است تا جایی که در غالب جوامع، ازدواج با روابط جنسی آغاز می‌شود (اسپریچر<sup>۱۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۶). اپت و دیگران (۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که رابطه‌ی جنسی موضوعی است که در ادبیات پژوهشی مورد

2. Davis

2. Myers., Madathil & Tingle

3. Waite, & Gallagher

4. distress

5. Demo & Acock

6. Schoenborn

7. Apt

8. Young

9. communication

10. Vincent., Weiss & Birchler

11. Sprecher

غفلت واقع شده است. در ایران، مؤلفه‌های دیگر زناشویی به وفور مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ اما روابط جنسی به ندرت مورد توجه پژوهش‌گران بوده است. از طرف دیگر میزان بالای کژکاری جنسی در ازدواج، دلیل دیگر برای مطالعه‌ی روابط جنسی در زوجین است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سطوح بالای رضایت جنسی با کیفیت و پایداری بیشتر روابط جنسی هم‌بسته است (اسپریچر و کیت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). پژوهش‌گران میزان بالای کژکاری جنسی به میزان ۵۰ درصد را ثبت نموده‌اند (مستر و جانسن، ۱۹۷۰) و متخصصان بالینی نسبت به اثر این کژکاری‌ها بر بهزیستی زناشویی زوجین هشدار داده‌اند (مک کارتی، ۱۹۹۷، ۲۰۰۳). به‌علاوه، لومن و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند باتوجه به ارتباط قوی کژکاری جنسی و کیفیت زندگی معیوب، این مسأله می‌تواند در تشخیص وضعیت سلامت روان‌شناختی نقش مهم ایفا کند. از این رو، پرداختن به کارکرد روابط جنسی و روابط زناشویی مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

رضایت جنسی و ارتباط زناشویی: پژوهش‌های محدودی رابطه‌ی رضایت جنسی و ارتباط زناشویی را بررسی کرده‌اند. باتوجه به این که ارتباط و رضایت جنسی هر دو روابط محرز با رضایت زناشویی دارند، بررسی جنبه‌های ترکیبی این دو با رضایت زناشویی مفید خواهد بود. مارکمن و همکاران در مطالعه‌ی طولی برنامه‌ی پارسازی رابطه‌ی پیش از ازدواج دریافتند هنگامی که زوج‌ها مهارت‌های ارتباط مؤثر با همدیگر را کسب می‌کنند، زندگی جنسی آنان بهبود می‌یابد، به‌علاوه این دو ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. هم‌سو با این پژوهش‌گران، چسنی<sup>۲</sup> و دیگران (۱۹۸۱) دریافتند ارتباط جنسی، رضایت جنسی و ارتباط زناشویی همگی بعد از برنامه‌ی درمان بدکاری جنسی بهبود می‌یابند.

هرچند به نظر می‌رسد این سازه‌ها با هم مرتبطند ولی این که هر یک چه نقشی در رضایت زناشویی بازی می‌کند نامشخص است. شاید هر یک نقش خود را مستقلاً بازی می‌کند. از سویی ممکن است نقش‌های آن‌ها پیچیده و متعامل باشد. این احتمال وجود دارد که ارتباط بین فردی ضعیف بر هر دو رضایت زناشویی و جنسی اثر منفی داشته باشد طوری که رضایت جنسی نتواند پیش‌بین مدوام رضایت زناشویی باشد. احتمال قابل‌تصور دیگر این است که با وجود ضعف ارتباطی زوجین، رضایت جنسی بالا بتواند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند. از این رو هدف مطالعه‌ی حاضر از یک سو پیش‌بینی رضایت زناشویی از روی رضایت جنسی و ارتباط است و از طرف دیگر تعیین ماهیت این پیش‌بینی در اثر مستقل و متقابل این دو متغیر را بررسی می‌کند. به طور ویژه، این پژوهش فرض می‌کند ضعف در یکی از حوزه‌ها، برای مثال، ارتباط می‌تواند با قوت حوزه دیگر مثلاً رضایت جنسی جبران شود.

## روش

باتوجه به هدف پژوهش، تحقیق از نوع کاربردی و بر اساس شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و طرح آن هم‌بستگی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل نان و مردان متأهل کرمانشاهی بودند که در سال ۱۳۹۰ در شهر کرمانشاه زندگی می‌کردند و از مدت ازدواج آنها حداقل هفت سال و حداکثر بیست سال گذشته بود و دارای حداقل یک فرزند بودند. این افراد والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و راهنمایی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه‌ی یک شهر کرمانشاه بودند. هم‌چنین این افراد، تنها تجربه‌ی یک ازدواج داشتند و هم اکنون نیز در تارک یا در حال طلاق نبودند. به منظور تعیین نمونه از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. به منظور شناسایی افراد از بین ۲۷ مدرسه ابتدایی و ۲۶ مدرسه راهنمایی پسرانه‌ی ناحیه‌ی یک تعداد ۵ مدرسه ابتدایی ۵ مدرسه راهنمایی به قید قرعه انتخاب شده و سپس تعداد ۱۰ کلاس ابتدایی و ۱۰ کلاس راهنمایی به طور تصادفی انتخاب شدند. با هماهنگی مدیر مدرسه، اولیای دانش‌آموزان هر مدرسه در جلسه‌ای به مدرسه دعوت شدند و افراد دارای شرایط و داوطلب به همکاری انتخاب می‌شدند. تعداد نمونه ۳۰۰ نفر زن و مرد تعیین گردید. که در نهایت اطلاعات ۲۶۶ پرسش‌نامه (۱۲۵ مرد، ۱۴۱ زن) تجزیه و تحلیل شدند.

**ابزارها:** برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی از خرده مقیاس‌های دو ابزار سازگاری زناشویی اسپاینر (۱۹۷۶) و پرسش‌نامه‌ی اینریج (۱۹۸۲)

ستفاده شد.

مقیاس سازگاری زناشویی: مقیاس سازگاری زناشویی توسط اسپاینر (۱۹۷۶) تدوین شده است. این ابزار ۳۲ سؤالی روایی محتوایش توسط هیأتی سه نفره از دوران تأیید شده و روایی ملاکی آن با قدرت تشخیصش در جدا سازی افراد متأهل از مطلقه، متأهل از زندگی مشترک، همجنس‌گرا از دگرجنس‌خواه و تفاوت‌های زوج‌های بچه دار از بدون فرزند تأیید شده است (اسپاینر، ۱۹۸۹). اسپاینر (۱۹۷۶) نقطه‌ی برش ۱۰۰ را برای تمییز زوج‌های درمانده از غیردرمانده به کار برد. روایی سازه از طریق استفاده از آن در بیش از ۱۰۰۰ مطالعه و روایی هم‌گرایی آن به واسطه‌ی رابطه‌اش با مقیاس سازگاری زناشویی لاک-والیس (۲=۰/۸۶) مورد تأیید واقع شده است (فوورس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱). در این پژوهش ضریب آلفای هم‌سانی درونی برای نمره‌ی کل این مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۰۲ به دست آمد. در این پژوهش از خرده مقیاس رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی استفاده شد.

1. Sprecher & cate

2. Chesney

3. Dyadic adjustment scale

4. Fowers

پرسش‌نامه‌ی انریچ: پربرسازی و تقویت رابطه، ارتباط و خشودنی<sup>۱</sup> توسط اولسون، فورنیرو دارنکمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) تدوین شده است و شامل ۱۱۵ ماده می‌باشد، که از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل یافته است. پاسخ به ماده‌ها به روش لیکرت و به صورت ۵ گزینه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می‌باشد. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ است. به علاوه، تعدادی از ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند، و حداقل و حداکثر نمره به ترتیب ۴۷ و ۲۳۵ است. اولسون و همکاران (۱۹۸۲) ضریب آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۹۲ به دست آورد، در این پژوهش ضریب پایایی از طریق آلفای کرونباخ در کل نمونه ۰/۹۰ به دست آمد.

رضایت زناشویی: به منظور سنجش متغیر ملاک در این پژوهش از مجموع نمرات خرده‌مقیاس رضایت زناشویی مقیاس سازگاری زناشویی اسپاینر و خرده‌مقیاس رضایت زناشویی پرسش‌نامه‌ی انریچ استفاده شد. اسپاینر (۱۹۸۹) برای این خرده-مقیاس دامنه‌ای از ضرایب آلفا (۰/۷۷-۰/۹۴) و میزان پایایی آزمون- بازآزمون ۰/۹۲ را بعد از ۱۱ هفته گزارش کرد. در این پژوهش ضریب آلفای هم‌سانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۱۱ به دست آمد. برای خرده مقیاس رضایت زناشویی اینریچ ضریب آلفای هم‌سانی درونی ۰/۸۱ و نمره‌ی پایایی آزمون- بازآزمون ۰/۸۶ گزارش شده است (اولسن و دیگران، ۱۹۸۲). در این پژوهش ضریب آلفای هم‌سانی درونی برای این خرده‌مقیاس در نمونه‌ی ۴۱۰ نفری ۰/۸۳۲ به دست آمد. ارتباط: در خرده‌مقیاس ارتباط انریچ ماده‌ها بر موارد زیر تمرکز دارند (۱) توانایی همسران در میان نهادن باورها و عواطف با همدیگر، (۲) درک آینده از چگونگی برقراری ارتباط همسر (۳) داشتن ارتباط مؤثر با همسر. نمره‌ی پایین در این ماده شاخص ناکارآمدی ارتباط می‌باشد. ضریب آلفای هم-انی درونی ۰/۶۸ گزارش شده و پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۹۰ به دست آمده است (اولسن و دیگران، ۱۹۸۲).

صمیمیت جنسی: دومین خرده مقیاسی که از مقیاس اینریچ به کارگرفته شده «رابطه‌ی جنسی» است. در مقیاس اینریچ این خرده‌مقیاس ای سنجش احساسات و نگرانی‌های فرد پیرامون رابطه با همسر طراحی شده است. این خرده دارای ۱۰ سؤال می‌باشد، این خرده‌مقیاس راحتی در بیان واطف، راحتی در بحث درباره مسائل جنسی، نگرش نسبت به رفتارهای جنسی، عمل جنسی و تصمیم در مورد جلوگیری از بچه دار شدن را منعکس می-ند. روس-گردون، میرس و هیتی (۲۰۰۴) در پژوهش خود از این خرده مقیاس برای سنجش صمیمیت جنسی استفاده کردند. ضریب آلفای هم‌سانی ونی این خرده مقیاس ۰/۴۸ و ضریب پایایی آزمون-بازآزمون ۰/۹۲ برآورد شده است.

### یافته‌ها

به منظور آگاهی از میانگین عملکرد و پراکندگی نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش، شاخص‌های میانگین، انحراف معیار در کل گروه در جدول ۱ گزارش شده است. همچنین ضریب هم‌بستگی پیرسون مرتبه‌ی صفر دو به دو متغیرهای پژوهش گزارش شده است. فرضیه‌های معطوف به روابط ساده‌ی بین متغیرها بر اساس این ضرایب هم‌بستگی بررسی شد. بین عامل ارتباط، صمیمیت جنسی و رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت وجود دارد.

### جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳
۱. رضایت زناشویی	۷۱/۱۶	۱۱/۴۲	-		
۲. صمیمیت جنسی	۳۹/۴۸	۷/۱۱	۰/۷۵*	۰/۵۷*	
۳. ارتباط	۳۷/۲۵	۷/۲۳	۰/۷۹*	۰/۶۸*	-

★ :  $p < ۰/۰۰۱$

هم‌بستگی‌های بین رضایت زناشویی با صمیمیت جنسی ( $r = ۰/۷۵, p < ۰/۰۰۱$ ) و ارتباط ( $r = ۰/۷۹, p < ۰/۰۰۱$ ) همه در حد بالا و در جهت پیش‌بینی شده و از نظر آماری معنادار بودند. این روابط حاکی از این است که دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی می‌توانند از متغیرهای اساسی در تامین رضایت زناشویی باشند. به نظر می‌رسد با افزایش صمیمیت جنسی، ارتباط مثبت زوجین رضایت زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ اما این که آیا دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی صرفاً اثر اصلی بر رضایت زناشویی دارند یا یکی از آنها نقش واسطه‌ای برای دیگری در رابطه با رضایت زناشویی بازی می‌کند در قسمت مدل ساختاری به آن خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup> ENRICH: Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness

<sup>۲</sup> Olson, Fornier & Druckman

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به فهم روشنی از چگونگی تأثیر دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی بر رضایت زناشویی است.

### جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل مفروض مطالعه

شاخص‌ها	$\chi^2$	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	CFI	NNFI	RMSEA	RMSR
مدل	۱۱/۴۷	۱/۱۴۷	۱/۰۰	۰/۹۶	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۱

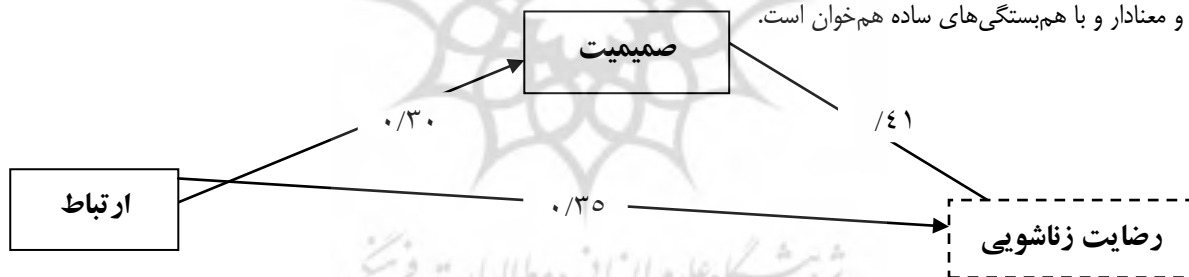
نتایج تحلیل مسیر بر پایه‌ی ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها نشان داد که مدل، همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، برازش بسیار خوبی با داده‌ها دارد. ارزش شاخص‌های برازش در جدول ۲ ارائه شده است. چهار شاخص GFI، AGFI، CFI و NNFI یک یا نزدیک به یک هستند و دو شاخص RMSEA و RMSR کمتر از ۰/۰۵ هستند. در این مدل عامل صمیمیت جنسی توانسته است بین عامل ارتباط با رضایت زناشویی نقش واسطه‌ای خود را ایفا کند. در ادامه، در خصوص روابط فرضی متغیرها بحث می‌شود.

- عامل ارتباط هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم به واسطه صمیمیت جنسی می‌تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند.
- عامل صمیمیت جنسی به طور مستقیم می‌تواند رضایت زناشویی را پیش بینی کند.

### جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیر ارتباط بر رضایت زناشویی و صمیمیت جنسی

مسیر	اثر مستقیم	غیر مستقیم	اثر کل
صمیمیت جنسی ← رضایت زناشویی	۰/۴۱	-	-
ارتباط ← رضایت زناشویی	۰/۳۵	۰/۲۲	۰/۵۶
ارتباط ← صمیمیت جنسی	۰/۳۰	-	۰/۴۱

بر اساس فرضیه‌ی اصلی مسیر مستقیم فرایند تعاملی ارتباط به رضایت زناشویی  $\beta=0/35$  است. این مقدار به لحاظ آماری معنادار و همخوان با ضریب هم‌بستگی ساده بین این دو متغیر است. مسیر مستقیم به رضایت زناشویی برای صمیمیت جنسی  $\beta=0/30$  و به لحاظ آماری معنادار هست. این مسیرها نیز با ضرایب هم‌بستگی متغیرها ذکر شده در بالا مطابقت دارد. به علاوه، مسیر مستقیم ارتباط به عنوان یک فرایند تعاملی به صمیمیت جنسی  $0/41$  مثبت و معنادار و با هم‌بستگی‌های ساده هم‌خوان است.



شکل ۱. مدل پیش بینی رضایت زناشویی

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از فرضیه‌های پژوهش حاضر این بود که ارتباط و صمیمیت جنسی بر رضایت زناشویی اثر مستقیم دارند. نتایج نشان داد هر دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی به طور معناداری بر رضایت زناشویی اثر مثبت دارند. همسو با پژوهش حاضر پژوهش‌های زیادی رابطه‌ی مثبت ارتباط (کاربر و گاتمن، ۱۹۹۹؛ راجی و برادبوری، ۱۹۹۹) و صمیمیت جنسی را (آیت و دیگران، ۱۹۹۶؛ کریستوفر و اسپرچر، ۲۰۰۰، یانگ و دیگران)، با رضایت زناشویی گزارش نموده‌اند. علاوه بر این نتایج، پژوهش حاضر نشان داد عامل ارتباط به عنوان فرایند تعاملی بنیادی هم به طور مستقیم و هم به واسطه‌ی صمیمیت جنسی به طور معناداری بر رضایت زناشویی رابطه‌ی مثبت دارد. همسو با این یافته، پژوهش‌هایی با طرح‌های مقطعی و طولی نشان داده‌اند ارتباط زوجین به طور پیوسته و معنادار بر رضایت زناشویی رابطه دارد (کاربر و گاتمن، ۱۹۹۹؛ گاتمن و لونسون، ۱۹۹۲؛ راجی و برادبوری، ۱۹۹۹). پژوهش‌گران بر این باورند، کسانی که در روابط صمیمانه‌ی خود با همسر موفق می‌شوند از مهارت‌های ویژه‌ای هم‌چون برقراری ارتباط مؤثر برخوردارند (کارن، ۲۰۰۲). مطالعات کاستن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، نشان می‌دهد که ارتباط کلامی مثبت به‌طور هم‌زمان هم‌بستگی مثبتی با رضامندی زناشویی دارد و ارتباط منفی، نشانه و آغاز آسفتگی زوجین است.

1. Casten

مدل معادلات ساختاری مسیر غیر مسقیم را از ارتباط به صمیمیت جنسی (رابطه‌ی مثبت) و صمیمیت جنسی به رضایت زناشویی (رابطه مثبت) ترسیم نمود. بر این اساس می‌توان گفت زوج‌هایی که در مهارت‌های ارتباطی قوی‌ترند، صمیمیت جنسی در آنها بیشتر بوده و از روابط و تجارب جنسی خویش خشنودترند و چنین خشنودی رضایت زناشویی آنها را بالا می‌برد. نتایج کنونی در راستای ادعای مارکمن و همکاران (۱۹۹۳) است که بیان داشتند مهارت زوج‌ها در ارتباط مؤثر با هم‌دیگر، سبب بهبود زندگی جنسی آنان می‌شود. مک‌کارتی (۲۰۰۱) اظهار می‌کند هنگامی که روابط جنسی مختل می‌شود و یا وجود ندارد، نقش فوق‌العاده قوی در ایجاد مشکلات زناشویی دارد، طوری که از ۵۰ تا ۷۰ درصد صمیمیت و احساسات خوب زناشویی را می‌خشکاند. به طور خاص، زن و شوهرهایی که رضایت جنسی بیشتری دارند، میزان بالاتری از رضایت کلی از رابطه‌ی زناشویی را گزارش می‌کنند (کاپاچ و کامستوک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰؛ هندرسون-کینگ و وروف<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ ایازی، ۱۳۸۲). این ارتباط مثبت بین رضایت جنسی و رضایت از رابطه در زوج‌های پیش از ازدواج نیز تأیید شده است (دیویس و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹؛ اسپرچر، ۲۰۰۲). رضایت جنسی و شاخص‌های ذهنی مرتبط با آن (نظیر صمیمیت جنسی) با سایر شاخص‌های کیفیت رابطه نظیر عشق (یلا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ اسپرچر و رگان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸) و تعهد یا احتمال تداوم رابطه (اسپرچر، ۲۰۰۲؛ وایت و جوینر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱) نیز ارتباط مثبت داشته است. در راستای نتایج پژوهش حاضر، پژوهش‌ها تأیید کردند رضایت از روابط جنسی، نقش محوری در رضایت رابطه‌ی زناشویی بازی می‌کند (آیت و دیگران، ۱۹۹۶؛ کریستوفر و اسپرچر، ۲۰۰۰؛ یانگ و دیگران، ۱۹۹۸). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوج‌ها رضایت جنسی را در مهم‌ترین مؤلفه‌های شادمانی زناشویی رتبه‌بندی کرده‌اند (هندرسون-کینگ و وروف، ۱۹۹۴؛ ترودل، ۲۰۰۲).

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت هر دو عامل ارتباط و صمیمیت جنسی به طور مستقیم رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر چند مهارت‌های ارتباطی زوجین به طور مسقیم می‌تواند سبب خشنودی و رضایت زناشویی شود، اما بخشی از اثرگذاری آن از طریق صمیمیت جنسی توجیه می‌شود. به عبارتی صمیمیت جنسی میانجی خوبی برای رابطه‌ی مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی می‌باشد. پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده به جای تمرکز بر عوامل ایستایی همچون شخصیت، خانواده‌ی پدیری بر عوامل دینامیک و قابل آموزشی همچون مهارت ارتباط مؤثر و رفتار جنسی مطلوب تمرکز کنند و با آموزش این مهارت‌ها به ماندگاری و شاد بودن ازدواج‌ها کمک کنند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با وارد کردن متغیرهایی مانند سبک‌های دل‌بستگی و طول ازدواج به تصریح و تبیین بیشتر رابطه ارتباط، صمیمیت جنسی و رضایت زناشویی اهتمام ورزند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup>. Cupach & Comstock

<sup>2</sup>. Henderson, King & Veroff

<sup>3</sup>. Davies, Katz & Jackson

<sup>4</sup>. Yela

<sup>5</sup>. Sprecher & Regan

<sup>6</sup>. Waite & Joyner



## منابع

- ایازی، زهرا(۱۳۸۲). بررسی ارتباط تجربه ارگاسم با رضایت از رابطه‌ی زناشویی در خانم‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- Apt, C., Hurlbert, D. F., & Clark, K. J. (1994). Neglected subjects in survey research: A survey of sexologists. *Journal of Sex & Marital Therapy, 20*, 237–243.
- Apt, C., Hurlbert, D. F., Pierce, A. P., & White, L. C. (1996). Relationship satisfaction, sexual characteristics, and the psychosocial well being of women. *The Canadian Journal of Human Sexuality, 5*, 195–210.
- Carey, M. P., Spector, I. P., Lantinga, L. J., & Krauss, D. J. (1993). Reliability of the dyadic adjustment scale. *Psychological Assessment, 5*, 238–240.
- Carr`ere, S., & Gottman, J. M. (1999). Predicting divorce among newlyweds from the first three minutes of a marital conflict discussion. *Family Process, 38*, 293– 301.
- Casten.Marie.Kircia.(2004).Marital Functioning and Communication in a clinical Sample of social Anxiety Disorder clients of Drexel university. *Journal of Personality and Social Psychology,99*, 73–81.
- Chesney, A. P., Blackeney, P. E., Chan, M. S., & Cole, C. M. (1981). The impact of sex therapy on sexual behaviors and marital communication. *Journal of Sex & Marital Therapy, 7*, 70–79.
- Christensen, A., & Heavey, C. L. (1990). Gender and social structure in the demand/ withdraw pattern of marital conflict. *Journal of Personality and Social Psychology, 59*, 73–81.
- Christensen, A., & Sullaway, M. (1984). Communication Patterns Questionnaire. Unpublished manuscript. University of California, Los Angeles.
- Christopher, F. S., & Sprecher, S. (2000). Sexuality in marriage, dating, and other relationships: A decade review. *Journal of Marriage and the Family, 62*, 999– 1017.
- Coie, J. D., Watt, N. F., West, S. G., Hawkins, J. D., Asarnow. J. R., Markman, H. J. et al.(1993). The science of prevention: A conceptual framework and some directions for a national research program. *American Psychologist, 48*, 1013–1022
- Cupach, W. R., & Comstock, J. (1990). Satisfaction with sexual communication in marriage: Links to sexual satisfaction and dyadic djustment. *Journal of Social and Personal Relationships, 7*, 179–186.
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hy- pothesis. *Psychological Bulletin, 116*, 387-411.
- Demo, D. H., & Acock, A. C. (1996). Singlehood, marriage, and remarriage. *Journal of Family Issues, 17*, 388-407.
- Donnelly, D. A. (1993). Sexually inactive marriages. *The Journal of Sex Research, 30*,171–179.
- Fields, N. S. (1983). Satisfaction in long-term marriages. *Social Work, 28*, 37–41.

- Gottman, J. M., & Krokoff, L. J. (1989). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal view. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 57*, 47–52.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1988). The social psychophysiology of marriage. In P. Noller & M. A. Fitzpatrick (Eds.), *Perspectives on Marital Interaction* (pp.182–200). Philadelphia: Multilingual Matters.
- Gottman, J. M., & Levenson, R. W. (1992). Marital processes predictive of later dissolution behavior, physiology, and health. *Journal of Personality and Social Psychology, 63*, 221–233.
- Gottman, J. M., Carr`ere, S., & Swanson, C. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family, 60*, 5–22.
- Henderson-King, D. H., & Veroff, J. (1994). Sexual satisfaction and marital well being in the first years of marriage. *Journal of Social and Personal Relationships, 11*, 509–534.
- Kumar, P. (1986). Psychological study of factors in marital happiness. *Indian Journal of Current Psychological Research, 1*, 73–76.
- Kumar, P. (1991). Factors affecting sexual satisfaction in married life. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology, 17*, 31–34.
- Laumann, E. O., Gagnon, J. H., Michael, R. T., & Michaels, S. (1994). The social organization of sexuality. Chicago: University of Chicago Press.
- Laumann, E. O., Paik, A., & Rosen, R. C. (1999). Sexual dysfunction in the United States: Prevalence and predictors. *Journal of the American Medical Association, 281*, 537–544.
- Lillard, L. A., & Panis, C. W. A. (1996). Marital status and mortality: The role of health. *Demography, 33*, 313–327.
- Lindahl, K. M., Clements, M., & Markman, H. (1997). Predicting marital and parental functioning in dyads and triads: A longitudinal investigation of marital processes. *Journal of Family Psychology, 11*, 139–151.
- Markman, H. J. (1979). Application of a behavioral model of marriage in predicting relationship satisfaction of couples planning marriage. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 47*, 743–749.
- Markman, H. J. (1981). Predicting of marital distress: A 5-year follow-up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 49*, 760–762.
- Markman, H. J., Renick, M. J., Floyd, F. J., Stanley, S. M., & Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4-and 5-year follow up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 61*, 70–77.
- Martin, T. C., & Bumpass, L. J. (1989). Recent trends in marital disruption. *Demography, 26*, 37–51.
- Masters, W., & Johnson, V. (1970). Human sexual inadequacy. Boston: Little, Brown & Company.



- McCarthy, B. W. (1997). Strategies and techniques for revitalizing a nonsexual marriage. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 23, 231–240.
- McCarthy, B. W. (2001). Integrating sex therapy strategies and techniques into marital therapy. *Journal of Family Psychotherapy*, 12, 45–53.
- McCarthy, B. W. (2003). Marital sex as it ought to be. *Journal of Family Psychotherapy*, 14, 1–12.
- Mctz, M. E., & Epstein, N. (2002). Assessing the role of relationship conflict and in sexual dysfunction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 28, 139–164.
- Morokoff, P. J., & Gilliland, R. (1993). Stress, sexual functioning, and marital satisfaction. *The Journal of Sex Research*, 30, 43–53.
- Murray, J. E. (2000). Marital protection and marital selection: Evidence from a historical prospective sample of American men. *Demography*, 37, 511–521.
- Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development*, 83, 183-190.
- Myers, J. E., Madathil, J., & Tingle, L. R. (2005). Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. *Journal of Counseling and Development*, 83, 183-190.
- Nathan, E. P., & Joanning, H. H. (1985). Enhancing marital sexuality: An evaluation of a program for the sexual enrichment of normal couples. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 11, 157–164.
- National Center for Health Statistics. (1995). Advance report on final divorce statistics, 1989, 1990. *Monthly Vital Statistics Report*, 43, 1–32.
- Noller, P. (1980). Misunderstandings in marital communication: A study of couples nonverbal communication. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 1135-1148.
- Noller, P. (1981). Gender and marital adjustment level differences in decoding messages from spouses and strangers. *Journal of Personality and Social Psychology*, 41, 272–278.
- Noller, P. (1988). Overview and implications. In P. Noller & M. A. Fitzpatrick (Eds.), *Perspectives on marital interaction* (pp. 322–344). Philadelphia: Multilingual Matters.
- Noller, P., & White, A. (1990). The validity of the communication patterns questionnaire. *Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 2, 478–482.
- Perlman, S. D., & Abramson, P. R. (1982). Sexual satisfaction among married and cohabitating individuals. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 458–460.
- Purnine, D. M., & Carey, M. P. (1997). Interpersonal communication and sexual adjustment: The roles of understanding and agreement. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 65, 1017–1025.
- Purnine, D. M., & Carey, M. P. (1998). Age and gender differences in sexual behavior preferences: A follow-up report. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 24, 93–102.

- Rogge, R. D., & Bradbury, T. N. (1999). Till violence do us part: The differing roles of communication and aggression in predicting adverse marital outcomes. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 67*, 340–351.
- Sager, C. J. (1987). Foreword. In G. R. Weeks & L. Hof (Eds.), *Integrating sex and marital therapy* (pp. vii–ix). New York: Brunner-Mazel.
- Schoenborn, C. A. (2004). Marital status and health: United States, 1999–2002. Advanced data from vital and health statistics (No. 351). Hyattsville, MD: National Center for Health Statistics.
- Spanier, G. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family, 38*, 15–26.
- Spanier, G. B., & Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A review of the seventies. *Journal of Marriage and the Family, 43*, 825–839.
- Sullaway, M., & Christensen, A. (1983). Assessment of dysfunctional interaction patterns in couples. *Journal of Marriage and the Family, 46*, 653–660.
- Trudel, G. (2002). Sexuality and marital life: Results of a survey. *Journal of Sex & Marital Therapy, 28*, 229–249.
- Vincent, J. P., Weiss, R. L., & Birchler, G. R. (1975). A behavioral analysis of problem solving in distressed and no distressed married and strange dyads. *Behavior Therapy, 6*, 475–487.
- Waite, L. J., & Gallagher, M. (2000). *The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Double day.
- Young, M., Denny, G., Luquis, R., & Young, T. (1998). Correlates of sexual satisfaction in marriage. *The Canadian Journal of Human Sexuality, 7*, 115–127.
- Young, M., Denny, G., Young, T., & Luquis, R. (2000). Sexual satisfaction among married women. *American Journal of Health Studies, 16*, 73–84.
- Zimmer, D. (1983). Interaction patterns and communication skills in sexually distressed, martially distressed, and normal couples: Two experimental studies. *Journal of Sex & Marital Therapy, 9*, 251–264.